

از تحقیق دانشگاهی تا میدان نبرد؛ هوش مصنوعی به «رویه نظامی»

در ارتش ایالات متحده بدل می شود

آغاز دوران جنگ‌های الگوریتمی در آمریکا

صفحه ۷

شنبه ۲۹ شهریور ۱۴۰۴ | ۲۷ دی‌ماه ۱۴۰۳ | ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۸۱۵ | صفحه ۱۰ هزار تومان

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

۱۹۱ سال و ۱۹ روز گذشت |

بررسی دلایل انتخاب فیلم «علت مرگ: نامعلوم»

برای حضور در اسکار

هدیه‌ای به B2 آمریکایی!

صفحه ۸

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4415 | SAT.SEP.20, 2025 | ISSN:2008-2886

آمریکا و اروپا مانع تصویب قطعنامه تمدید لغو تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران شدند
چین و روسیه: این تحریم‌ها را علیه ایران اجرا نمی‌کنیم

شورای دوپاره

صفحه ۲

تیتیر های امر وز



درخشش خیره‌کننده نسل جدید فرنگی‌کاران در رقابت‌های کشتی جهانی زاگرب ۲۰۲۵

زرگری رنگرز

صفحه ۶

لژوم به‌کارگیری راهبرد رسانه‌ای جدید در برابر عملیات روانی رژیم صهیونیستی درباره حمله مجدد به ایران

چه حمله‌ای؟ چه جنگی؟

صفحه ۵

آمریکا باز هم قطعنامه آتش‌بس در غزه را و تو کرد

دست جنایتکار

صفحه ۷

«وطن امروز» از راهبردهای صنعت نفت ایران برای غلبه بر فشار تحریم‌ها گزارش می‌دهد

نفت تحریم‌شکن

صفحه ۳

مک کار تیسیم ترامپی!

نگاه



مهدی حسینی

پرسش مهمی که بعد از ترور چارلی کرک در آمریکا دایماً پرسیده می‌شود این است: آیا آمریکا به سرعت در حال تجربه کردن یک دوران مک‌کارتیسم دیگر است؟ مک‌کارتیسم به موج «ترس سرخ» اوایل دهه ۱۹۵۰ در آمریکا گفته می‌شود که به رهبری سناتور جوزف مک‌کارتی در فضای سیاسی آمریکا به اوج رسید. در فضای آغاز جنگ سرد و نگرانی از نفوذ شوروی، مک‌کارتی با ادعای در اختیار داشتن فهرستی از «کمونیست‌ها» در دولت، ارتش و رسانه‌ها، کارزار گسترده‌ای از بازجویی‌ها و دادگاه‌های نمایشی را به راه انداخت. روش او اتهام‌زنی بدون سند و القای ترس بوده صرفِ ارتباط یا هم‌مدلی ادعایی با افراد متهم به کمونیسم لیست مک‌کارتی، می‌توانست به پرچسب خوردن، اخراج و حذف از عرصه عمومی بینجامد. حالا پس از ترور کرک هم ترس از موج دیگری از مک‌کارتیسم به دلیل رفتار قلدرانه و خودکامه ترامپ به راه افتاده است. روزنامه انگلیسی فاینشال تایمز همین موضوع را دست‌مایه یک گزارش کرده است.

این رسانه از این نقطه آغاز می‌کند که رفتار معاون رئیس‌جمهور آمریکا، نمادی از این روند پیش رو است: «روز پس از آنکه چارلی کرک در دانشگاهی در یوتا ترور شد، ج‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا قسمت تازه‌ای از یادگستی را اجرا کرد که همین فعال راست‌گرا را مشهور کرده بود. ونس شدت به گروه‌های چپ‌گرا تاخت و مدعی شد آنها سازمان‌دهنده خشونت علیه دولت ترامپ هستند. او گفت ما سراغ شبکه سازمان‌های غیردولتی می‌رویم که خشونت را تحریک، تسهیل و اجرا می‌کنند. در حالی که انگیزه‌های فرد متهم به قتل کرک هنوز در دست بررسی است و دانش‌ها گفت‌وگو با او به تنهایی عمل کرده، این موضوع مانع از آن نشده که مقام‌های ارشد ترامپ از این قتل برای اهریمن‌سازی از مخالفان چپ استفاده کنند. استیون میلر، معاون رئیس دفتر کاخ سفید یا فراتر گذاشت و وعده «لنتقام» از آنچه «جنش عظیم تروریسم داخلی» خواند داد. او تأکید کرد آنها از همه امکانات موجود در سراسر دولت استفاده کردند تا این شبکه‌ها را شناسایی، مختل، منلاشی و نابود کنند».

فاینشال تایمز اما بر آن است آنچه در حال رخ دادن است، ارتباطی با قتل کرک ندارد و پیش از قتل او نیز دولت ترامپ در حال آماده کردن این موج بود و دایماً مخالفان را با ابزارهای دولتی می‌ترساند: «حتی پیش از قتل کرک نیز الگوی مشخصی در حال شکل‌گیری بوده استفاده دولت ترامپ از ابزارهای حکومتی برای ترس‌اندن برخی مخالفان داخلی.

ادامه در صفحه ۵

محسن شرافت: شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه تلاطم لغو تحریم‌ها علیه ایران را تصویب نکرد. البته این موضوع قابل پیش‌بینی بود. در فرایند مشخص‌شده در برجام برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه، این قطعنامه و موضوع آن مشخص شده بود. به هر حال ۳ کشور اروپایی و آمریکا فعلاً نشان داده‌اند بر تصمیم خود برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه اصرار دارند. کما اینکه مکرون پنجشنبه هفته گذشته در گفت‌وگو با کانال ۱۲ رژیم صهیونیستی، از قطعی بودن فعال‌سازی مکانیسم ماشه در صورت عدم تحقق نظرات اروپا گفت. برخی معتقدند این روزها طرفین در حال اعمال فشار مضاعف به یکدیگر هستند تا قبل از زمان مشخص‌شده یعنی پایان سپتامبر، طرف مقابل را متقاعد کنند به نظرات آنها عمل کند. بر همین اساس عدم تصویب قطعنامه تلاطم لغو تحریم‌های ایران در همین راستا ارزیابی می‌شود. اما در این بین اقدام مهم چین و روسیه پس از عدم

تصویب این قطعنامه، در تحولات آتی ایران – غرب بسیار موثر است. پس از تصویب نشدن قطعنامه تعلیق تحریم‌های ایران، چین و روسیه در بیانیه‌های مشترک رسماً اعلام کردند بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را غیرقانونی و نامعتبر می‌دانند و به آنها پایبند نخواهند بود. البته این موضع چین و روسیه نیز قابل پیش‌بینی بود. در نشست اخیر شانگهای، وزرای خارجه ایران، چین و روسیه طی نامه‌ای مشترک به شورای امنیت سازمان ملل، اقدام اروپا برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه را غیرقانونی و غیرحقوقی دانستند. بنابراین چین و روسیه به عنوان عضو دائم شورای امنیت، پیش از این بر غیرقانونی بودن مکانیسم ماشه تأکید کرده بودند اما روز گذشته، واکنش این ۲ کشور به عدم تصویب تعلیق تحریم‌های ایران، یک گام جلوتر از بیانیه مشترک ۳ کشور بود، چرا که چین و روسیه در بیانیه دیروز تصریح کردند به تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران پایبند نخواهند

بود. موضع چین و روسیه در واقع یک ضربه کلیدی به تلاش آمریکا و اروپا برای فشار بر ایران و ایجاد اجماع بین‌المللی علیه کشورمان بود. به صورت مختصر، برخی پیام‌های این اقدام یکن و مسکو عبارت است از: ۱- بیانیه چین و روسیه به معنای شکاف بزرگ در شورای امنیت درباره ایران است. بنابراین قطعاً این شکاف در فرایند نظارت بر اجرای تحریم‌های ایران نیز اثرگذار خواهد بود. آمریکا و اروپا تلاش داشته و دارند قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران را مجدداً اعمال کنند اما چین و روسیه به عنوان ۲ عضو شورای امنیت اعلام کرده‌اند این تحریم‌ها را اجرا نمی‌کنند. این اقدام چین و روسیه باعث بی‌اعتبار شدن این قطعنامه‌ها خواهد شد. وقتی اعضای شورای امنیت درباره اعمال تحریم‌ها علیه ایران ۲ پاره شوند، نه‌تنها اعتبار این تحریم‌ها کاهش می‌یابد، بلکه تشکیل کمیته‌های نظارتی برای اجرای این تحریم‌ها توسط سایر کشورها نیز با اخلال مواجه خواهد شد.

پیام‌های بیانیه مشترک چین و روسیه

۲- خنثی‌سازی فشار بر ایران در روزهای منتهی به پایان سپتامبر. اروپا و آمریکا تلاش داشتند در هفته منتهی به فعال‌شدن مکانیسم ماشه، فشار مضاعفی را بر ایران وارد کنند. هدف این فشار، ناچار شدن تهران به انجام خواسته‌های آنان، قبل از پایان سپتامبر، یا اضافه کردن تعهدات جدید بود اما بیانیه مشترک چین و روسیه در واقع این تلاش را خنثی کرد. بر همین اساس این بیانیه موضع ایران در هفته منتهی به پایان سپتامبر را قوی‌تر می‌کند. ۳- بیانیه مشترک چین و روسیه یک ضربه حیثیتی به اعتبار شورای امنیت سازمان ملل و در واقع یک ضربه مهم به نهادهای وابسته به نظم آمریکایی است. رئیس‌جمهور چین در نشست اخیر شانگهای، با اشاره به ناعادلانه بودن نظام فعلی دنیا و کارکرد ناعادلانه نهادهای و سازمان‌های وابسته به این نظم، پیشنهاد شکل‌گیری یک نظم جدید چندجانبه جهانی را مطرح کرد. بر همین اساس، بیانیه دیروز چین و روسیه درباره

خودمختاری راهبردی در عمل؛ ایران موفق، قطر و اروپا ناکام

امارات عربی متحده و عربستان سعودی از متحدان نزدیک آمریکا هستند اما ایالات متحده برای توسعه هوش مصنوعی در این کشورها حد و مرز مشخصی را معین و به همین دلیل صادرات تراشه‌های پر قدرت را به این کشورها محدود کرده است.^۱

■ از ترکیه و اروپا تا قطر: تأثیر فقدان خودمختاری راهبردی در آسیب به منافع ملی

۱- ترکیه؛ باز یابگری قدرتمند اما محدود ترکیه یکی از کشورهای مهم منطقه است که توانسته در سال‌های اخیر پروژه‌های متعددی را برای افزایش نفوذ خود در غرب آسیا و قفقاز پیش ببرد. با این حال، نمونه‌های عینی نشان می‌دهد این کشور فاقد خودمختاری راهبردی کامل است.

به عنوان مثال آنکارا هزینه‌های هنگفتی صرف کرد تا دولت یشار اسد را سرنگون کند و سوریه را به عمق استراتژیک خود تبدیل کند. این نقشه تا حد زیادی پیش رفت و «هاکان فیدان» که طراح این نقشه بود بسا غرور و افتخار اجرای موفق این طرح را اعلام کرد و حتی به تهدید ایران پرداخت اما تکمیل این طرح ناکام ماند، زیرا برای آمریکا و اسرائیل تهدیدآمیز بود، اکنون این طرح به صورت کامل شکست خورده و بخش‌های مهمی از سوریه نه‌تنها در کنترل ترکیه نیست، بلکه عملاً به عمق استراتژیک اسرائیل بدل شده است. هزینه‌های سنگین ترکیه در این پروژه عملاً دود شد و به هوا رفت.

پروژه دیگر ترکیه ایجاد یک کریدور تورانی از طریق جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان بود. این طرح قرار بود موقعیت ژئوپلیتیک ترکیه و متحدش جمهوری آذربایجان را تقویت کند اما با ورود مستقیم آمریکا و توافقیه که میان ایران و باکو انجام شد، این کریدور عملاً تحت نفوذ غرب قرار گرفت و باز هم ترکیه ناچار شد از بخشی از منافع ملی خود عقب‌نشینی کند. این موارد نشان می‌دهد اگرچه ترکیه قدرت

غیرقانونی بودن اقدام اروپا علیه ایران، جدا از آنکه اعتراض به یکی از مصادیق نظام ناعادلانه جهانی است، بر ضرورت ایجاد نظام چندقطبی و نهادسازی این نظم جدید نیز تأکید می‌کند. کما اینکه همین بیانیه چین و روسیه نیز می‌تواند مصداقی از شکل‌گیری نظم جدید چندجانبه در دنیا باشد.

۴- اگر اروپا همانند آمریکا به دنبال تقابل تمام‌عیار با ایران باشد، این بیانیه چین و روسیه نیز یک صف‌آرایی جدید شرقی در مقابل غرب را نشان می‌دهد. اکنون اراده ۲ عضو دائم شورای امنیت بر ایستادگی در کنار ایران و مقابله با تهدیدات غرب علیه تهران است، قاعدتاً این رفتار، نشان‌دهنده ایجاد یک فهم مشترک میان ایران، روسیه و چین، نسبت به منافع مشترک راهبردی است. بر همین اساس می‌توان گفت باید در آینده نیز شاهد شکل‌گیری یک جبهه مشترک میان ایران، چین و روسیه در برابر همه اقدامات غرب علیه ۳ کشور باشیم.

منطقه فاقد خودمختاری راهبردی‌اند و این موضوع به بهای ناتوانی در حفاظت از حاکمیت و امنیت ملی‌شان تمام می‌شود.

این ۳ نمونه به‌خوبی نشان می‌دهد بسیاری از کشورها – حتی اگر در ظاهر قدرتمند باشند – در عمل نمی‌توانند سیاست‌های کلان و استراتژیک خود را بر اساس منافع ملی پیگیری کنند. آنها در بهترین حالت استقلال سیاسی دارند اما در لحظات تعیین‌کننده مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند.

■ ایران؛ تجربه‌ای متفاوت در خودمختاری راهبردی جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای شاخص از کشوری است که توانسته به سطحی از خودمختاری راهبردی دست یابد. این موقعیت محصول انقلاب اسلامی ۵۷ و خون شهدایی است که در ۵ دهه گذشته ریخته شده است.

زمانی که گروهک تروریست داعش به تهدیدی جدی برای منطقه و حتی جهان تبدیل شد، ایران بدون انتظار برای چراغ سبز قدرتهای جهان تصمیم گرفت نیروهای خود را به سوریه اعزام کند و از دولت مستقر آن کشور دفاع کند. این تصمیم برخلاف اراده آمریکا و اسرائیل بود اما بر اساس منافع ملی و امنیتی ایران گرفته شد. در نهایت، این حضور نقشی تعیین‌کننده در شکست داعش ایفا کرد.

در همین زمینه به واکنش ایران به تجاوز رژیم صهیونیستی می‌توان اشاره کرد. در وضعیتی که بسیاری از کشورهای منطقه در برابر حملات اسرائیل دست بستند (به عنوان مثال سوریه، لبنان، قطر و...)، ایران نشان داد مایل است و توان دارد به تجاوزات پاسخ مستقیم و «درنداک» بدهد. این در حالی است که حمله به رژیم صهیونیستی یکی از خطوط قرمز قدرتهای بزرگ است و اغلب کشورها از ترس واکنش غرب به آن، حتی نزدیک نمی‌شوند.

ادامه در صفحه ۵